

## اهداف پنهان رژیم صهیونیستی از ایجاد تحول جدید در روابط با کشورهای آفریقایی (با تمرکز بر منطقه شرق آفریقا)

محمدجواد حسینی  
کارشناس مسائل آفریقا  
Javad37@hotmail.com

### چکیده

رژیم صهیونیستی برای روابط خود با قاره آفریقا اهمیت ویژه‌ای قائل است، به گونه‌ای که توانسته است با کمترین هزینه و کمک‌های فنی، نظامی، سیاسی، امنیتی و تکنولوژی، نفوذش را در این قاره افزایش دهد و از این راه به بازار بزرگ و پرمفعت قاره سیاه دست یابد و با غارت منابع آن و سلطه بر منطقه شاخ آفریقا منافع خود را در دریای سرخ تأمین کند. علاوه بر این، درگیری میان اعراب و رژیم صهیونیستی، اهمیت یافتن کشورهای آفریقایی در نظام بین‌الملل و قدرت رأی آن‌ها در سازمان ملل متحد و وجود گروه‌ها و اقلیت‌های یهودی در آفریقا، سبب رویکرد این رژیم به این قاره شده است. منطقه شاخ آفریقا به دلیل موقعیت جغرافیایی همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرماندهی‌های به‌ویژه رژیم صهیونیستی بوده است. بحران‌های منطقه‌ای ناشی از درگیری‌های قومی و قبیله‌ای، اختلافات مرزی بین کشورهای آن، وجود رهبران سرکشی مانند ایسایاس آفورقی رئیس‌جمهور اریتره باعث شده است امکان حضور فعال رژیم صهیونیستی بیش از پیش در این منطقه فراهم آید. علاوه بر این، بروز پدیده دزدی دریایی و روند صعودی آن در سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ م سبب شد تا فرصت مناسبی برای ارزیابی میزان آسیب‌پذیر بودن امنیت رژیم صهیونیستی در دریای سرخ به‌همراه یافتن راه حلی جهت تأمین امنیت آن فراهم آید. حضور فعال جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های اخیر در قاره آفریقا سبب شد تا رژیم صهیونیستی پس از دو دهه کم‌توجهی به منطقه شاخ آفریقا باردیگر برای حضور فعال خود در این منطقه و ایجاد موانعی برای رشد نفوذ ایران زمینه‌سازی کند. در این مقاله سعی شده است با بررسی زمینه‌های حضور رژیم صهیونیستی در منطقه شرق آفریقا، اهداف سفر اخیر وزیر امور خارجه این رژیم - که پس از بیست سال صورت گرفت- با دقت لازم موشکافی شود.

**واژه‌های کلیدی:** رژیم صهیونیستی، شاخ آفریقا، ایران، اهداف سیاسی و اقتصادی.

### مقدمه

قاره آفریقا در سال‌های دهه پنجاه برای کارگزاران وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی قاره گمنامی بود؛ اما از نگاه استراتژیست‌های این رژیم، آفریقا در مقایسه با سایر قاره‌های جهان چندان ناشناخته نبود. اهمیت کشورهای آفریقایی در سازمان ملل متحد از نظر قدرت آراء در تصمیم‌گیری‌ها، بر رژیم صهیونیستی پوشیده نبود. نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی، دیوید بن گوریون، همواره بر این نکته تأکید داشت که کشورهای آفریقایی غنی نیستند؛ ولی آرای آن‌ها در محافل و سازمان‌های بین‌المللی از نظر ارزش، برابر با ملت‌هایی است که بسیار نیرومندتر از آن‌ها هستند. این برداشت رژیم صهیونیستی پیوسته در راستای آگاهی از ماهیت روابط اعراب و اسرائیل و امکان بهره‌گیری از نقش آفریقا در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی مایه می‌گرفت. بنابراین، رژیم صهیونیستی ضمن توجه به کسب حمایت قاطع کشورهای اروپایی، کوشش می‌کند برای به‌دست آوردن مشروعیت بین‌المللی، سیاست خود را به کشورهای آسیایی و آفریقایی معطوف کند.

پیش از تشکیل دولت غاصب اسرائیل در سال ۱۹۴۸م، منطقه شرق آفریقا در اندیشه سیاسی و راهبردی رهبران صهیونیستی جایگاه ممتازی داشته است. اوگاندا و کنیا از گزینه‌های صهیونیست‌ها برای اسکان و تجمع یهودیان جهان بودند. توجه رژیم صهیونیستی به این منطقه و کشورهای آن طی شصت سال اخیر، در زمینه‌ها و ابعاد مختلفی بوده است. این منطقه حساس پس از پایان جنگ جهانی دوم و جنگ سرد در شش دهه اخیر، شاهد تحولات ژرفی بوده است. عوامل خارجی در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای در روند این تحولات منطقه‌ای و فرایند تغییرات محلی آن نقش آفرینی کرده‌اند و رژیم صهیونیستی مستقیم و یا غیرمستقیم یکی از این عوامل بوده است.

### علل رویکرد رژیم صهیونیستی به قاره آفریقا

مجموعه‌ای مختلف از شاخص‌ها و علت‌های رویکرد رژیم صهیونیستی به آفریقا وجود دارد که اهمیت هر یک از آن‌ها نسبت به دیگری متفاوت است و حتی ممکن است اهمیت هر یک از آن‌ها در مرحله‌ای نسبت به مرحله دیگر تفاوت یابد. اما از مجموع آن‌ها می‌توان به چند شاخص اشاره کرد:

**الف) وجود اقلیت یهودی در آفریقا:** اگر در بررسی شاخص‌ها و اهداف رویکرد رژیم صهیونیستی به قاره آفریقا به اقلیت‌های یهودی آفریقا توجه شود، ضروری است اهمیت

این اقلیت از دو بعد مورد تأکید قرار گیرد: اول اینکه حدود ۸۰ درصد از ساکنان سرزمین اشغالی فلسطین از مهاجران آفریقا هستند. ممکن است گفته شود اهمیت موضوعی این مسئله از اهمیت جمعیتی و عددی آن به مراتب بیشتر است؛ زیرا اگر به این موضوع توجه شود که از سال ۱۹۴۸ - ۱۹۶۷ م به تدریج مهاجرت رو به افزایش نهاده است، در طی این سال‌ها به‌طور مشخص تثبیت ساختار شهرک‌نشینی صهیونیستی در فلسطین براساس مفاهیم ایدئولوژیک صورت گرفته است. دوم اینکه اقلیت‌های یهودی به‌طور نسبی در بسیاری از کشورهای آفریقایی به‌ویژه آفریقای جنوبی، اتیوپی، زیمبابوه، کنیا و کنگو دموکراتیک تأثیرگذارند. گلدامایر در نوشته‌هایش آورده است: «اسرائیل باید جهت مقابله با کشورهای عربی در داخل مرزهایش و نیز در صحنه بین‌المللی برای کشف راه‌های جدیدی که آن را از نفوذ در محاصره تحمیلی بر خود فائق آورد کوشش فوق‌العاده انجام دهد؛ چرا که برای اسرائیل هم‌پیمان‌های صمیمی و برادرانه در بین یهودیان جهان وجود دارد.» بنا به گفته‌های نظریه‌پردازهای صهیونیستی، آفریقایی‌های ساکن رژیم صهیونیستی به سبب تعدد کشورهای مبدأ، این امکان را برای وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی به وجود می‌آورند تا درک بهتری نسبت به مشکلات و شرایط این کشورها داشته باشد. همچنین دستگاه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی آمادگی می‌یابد تا به آسانی شخصیت‌های تأثیرگذار آفریقا را برای به کار گرفتن در مسیر اهداف رژیم صهیونیستی شناسایی کند.

**ب) همگرایی جغرافیایی:** اعتراف به اهمیت همگرایی جغرافیایی از نظر رژیم صهیونیستی در توانمندی‌های شناخته شده یا تأثیرگذاری‌های نهانی ظاهر می‌شود. اهمیت آفریقا از نظر رژیم صهیونیستی در حد اقدامات ایستا تعریف نمی‌شود، بلکه درآمدی برای حرکت‌های گسترده دیگر مورد نظر است که بنیادهای سیاسی رژیم صهیونیستی را از دو جنبه رقم می‌زند:

۱. نیازهای اقتصادی رژیم صهیونیستی به‌ویژه پس از آغاز برنامه‌های صنعتی کردن آن در سال ۱۹۵۵ م سبب شد تا نیازهای رژیم صهیونیستی در زمینه بازار یا مواد خام یا پالایش آن، به‌منظور جلوگیری از تحریم اعراب، تشدید شود.

۲. مقتضیات امنیت رژیم صهیونیستی: پس از انقلاب یمن در سال ۱۹۶۲ م و نقش مصر در آن انقلاب، اهمیت استراتژیک دریای سرخ به‌عنوان یک رکن اساسی برای رژیم صهیونیستی در آفریقا مورد توجه قرار گرفت. بازتاب این مسئله باعث تحکیم روابط بین اتیوپی و رژیم صهیونیستی و توسعه همکاری بین این دو شد؛ به‌ویژه با

به رسمیت شناختن کامل رژیم صهیونیستی از سوی اتیوپی و مبادله نمایندگی دیپلماتیک تا سطح سفیر در سال ۱۹۶۱م این روابط استوارتر شد. با توجه به این اوضاع، اقلیت‌های یهودی اهمیت خاصی در آفریقا یافتند، به گونه‌ای که جایگاه این اقلیت‌ها با افزوده شدن به موضوع همگرایی جغرافیایی، زمینه را برای رعایت اصول حرکت اقتصادی خارجی در سطح بین‌المللی فراهم کرد.

### جایگاه استراتژیکی منطقه شاخ آفریقا و اهمیت آن برای رژیم صهیونیستی:

منطقه شاخ آفریقا [۱] متشکل از کشورهای سودان، اتیوپی، اریتره، جیبوتی و سومالی است که از نظر موقعیت خاص جغرافیایی یکی از مهم‌ترین مناطق ژئواستراتژیکی در جهان به‌شمار می‌آید. این اهمیت ناشی از برخورداری منطقه از پارامترهای مهمی نظیر احاطه بر دریای سرخ و تنگه باب‌المندب (به‌عنوان گلوگاه ارتباطی اقیانوس هند به دریای مدیترانه و قاره اروپا)، دروازه ورود آسیا و خاورمیانه به آفریقا، محل تلاقی تمدن‌های خاورمیانه و آفریقا و خاستگاه رشد و گسترش فرهنگ اسلامی - آفریقایی در آفریقای زیر صحراست. به‌همین دلیل، این منطقه همواره یکی از کانون‌های نفوذ قدرت‌های بزرگ به‌ویژه در دوران نظام دوقطبی و جنگ سرد بوده است. علاوه بر این، منطقه شاخ آفریقا برخلاف میزان وسعت آن، بحران‌های سیاسی و امنیتی زیادی را در خود جای داده است که می‌توان به بحران‌های داخلی این کشورها همانند سودان (بحران جنوب و بحران دارفور)، سومالی (جنگ داخلی که از سال ۱۹۹۱م تاکنون ادامه دارد) و تنش‌های مرزی این کشورها با یکدیگر (اتیوپی با اریتره، اریتره با جیبوتی، سودان با اتیوپی، اتیوپی با کنیا، سومالی با اتیوپی و کنیا و...) اشاره کرد که به درگیری‌های نظامی بین این کشورها منجر شده است.

در دوران جنگ سرد، این منطقه بخشی از کمربند امنیتی شوروی سابق بود. اهداف راهبردی آمریکا و متحدان آن در منطقه شاخ آفریقا از این قرار است: محاصره شوروی، جلوگیری از پیشروی نفوذ آن، حمایت از امنیت رژیم صهیونیستی و تأمین راه‌های انتقال سوخت از این حوزه به اروپا. پس از پایان جنگ سرد، اهمیت ژئوپولیتیکی این حوزه در برخی ابعاد و زمینه‌ها کاهش یافت؛ ولی با آغاز جنگ دوم خلیج فارس و آزادی کویت، اهمیت استراتژیکی این منطقه بار دیگر دگرگون و برجسته شد. آمریکا در جنگ (به‌اصطلاح) آزادی کویت، از این منطقه کمال بهره‌برداری را کرده و پس از یازدهم

سپتامبر ۲۰۰۱م، بوش (پسر) از این منطقه برای مبارزه با تروریسم جهانی به خوبی استفاده کرده است.

استراتژی آمریکا و رژیم صهیونیستی در شاخ آفریقا بر اصل قرارداد دو کشور اریتره و اتیوپی به عنوان بازدارنده در برابر رشد اسلامگرایی در کشورهای این سو و آن سوی تنگه باب‌المندب و همچنین کشورهای حوزه رود نیل در جنوب سودان استوار شده است. به گفته تحلیلگران، استراتژی آمریکا و رژیم صهیونیستی در این زمینه بر تشکیل چند حکومت کوچک و ضعیف در منطقه و برپایی آشوب در کشورهایمانند سومالی، سودان، اوگاندا و اریتره استوار است. به کارگیری اتیوپی به عنوان پایگاهی از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی و نیز برقراری روابط میان کشورهای شاخ آفریقا و رژیم صهیونیستی از دیگر اهداف صهیونیسم در این منطقه استراتژیک به شمار می‌رود (<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=1310320>).

### پیشینه تاریخی تمایل رژیم صهیونیستی به قاره آفریقا به ویژه منطقه شاخ آفریقا

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، قاره آفریقا از چندین جهت برای رژیم صهیونیستی اهمیت استراتژیک دارد که همسایگی برخی از کشورهای آن با کشورهای عرب از آن جمله است. همین امر موجب شد بن‌گوریون ارتباط و توجه به آفریقا را در سیاست رژیم صهیونیستی بسیار مهم اعلام کند. براساس اسناد و مدارک تاریخی، صهیونیست‌ها پیش از تشکیل این رژیم به آفریقا و منطقه شرق آن توجه ویژه‌ای داشته‌اند. آن‌ها تلاش می‌کردند براساس نفوذشان در مؤسسات و نهادهای مستعمراتی بریتانیا، در مستعمرات انگلستان به ویژه در فلسطین و شرق و شمال آفریقا، برای یهودیان آواره در جهان موطنی برگزینند. تئودور هرتزل در کتاب *دولت صهیونیسم* بر ضرورت تشکیل دولت رژیم صهیونیستی برای تجمع و اسکان یهودیان پراکنده در جهان تأکید داشته و به مناطقی در شرق آفریقا همچون اوگاندا اشاراتی کرده است (حمدی عبدالرحمن حسن، ۲۰۰۱). به‌رغم اینکه در پی سقوط سلطان عبدالحمید (بلوله، ۱۳۸۴: ۷۷-۱۲۱) و در آستانه جنگ جهانی اول، تمام طرح‌های ایجاد شهرک‌های یهودی‌نشین در آفریقا مردود شناخته شد، برخی یهودیان اروپایی به آفریقا کوچ کردند و در کنیا و اوگاندا مستقر شدند (عبدالرحیم: <http://us Mohect.com>). پس از تأسیس دولت صهیونیستی در سال

۱۹۴۸م، رهبران این رژیم تلاش‌های فراوانی برای حضور در قاره آفریقا به‌ویژه منطقه شرقی آن انجام دادند و موفقیت‌های ارزنده و راهبردی به‌دست آوردند. رژیم صهیونیستی در برقراری روابط با اتیوپی، با موانع و مشکلات بسیاری از جمله دشمنی سنتی و مذهبی یهودیان و مسیحیان روبه‌رو شد که به‌صورت موانع مذهبی، فرهنگی و ایدئولوژیکی در برقراری روابط تل‌آویو- آدیس‌آبابا پدیدار بود. روابط سنتی و تاریخی میان اتیوپی و مصر نیز عامل منفی در عرصه مناسبات رژیم صهیونیستی و اتیوپی به‌شمار می‌آمد.

رویکرد نوین سیاست خارجی مصر در دوران حکومت ناصر، بازتاب‌هایی در سطح مختلف داشت و در سطح منطقه‌ای با واکنش اتیوپی روبه‌رو بود و اختلاف‌های هایل ه سیلاسی و ناصر را -که انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی داشت- تشدید کرد. همچنین دامنه این اختلافات تحت‌تأثیر عوامل خارجی همچون آمریکا و انگلیس گسترش یافت و برای حضور رژیم صهیونیستی در منطقه شاخ آفریقا و حوزه رود نیل فرصت طلایی بود. روابط اتیوپی- رژیم صهیونیستی که با گشایش سرکنسولگری رژیم صهیونیستی در آدیس‌آبابا در سال ۱۹۵۰م آغاز شد، با جنگ سرد میان ناصر و هایل ه سیلاسی ابعاد وسیعی یافت و حضور رژیم صهیونیستی را در منطقه پایدار کرد (مفرحی، ۱۳۷۷: ۹۷-۱۱۴). ناصر در مناسبات مختلف، حمایت مصر را از اقلیت‌ها و اقوام زیر ستم استبداد و استعمار حکومت هایل ه سیلاسی، امپراتور اتیوپی، اعلام می‌کرد و به گروه‌های مبارز اریتره کمک‌های نظامی و لجستیکی می‌کرد. در مقابل، رژیم صهیونیستی نیز به آدیس‌آبابا کمک‌های فنی و نظامی و تسلیحاتی می‌کرد. در جریان حمله مسلحانه گروه‌های آزادی‌بخش اریتره ضد اتیوپی، رژیم صهیونیستی کمک‌های نظامی و کارشناسان نظامی به اتیوپی فرستاد (سعدالدین، ۲۰۰۳: ۳۳-۵۶). این رژیم در همان دوران، دو آموزشگاه نظامی برای رژیم هایل ه سیلاسی ساخت: نخست برای آموزش‌های جنگ چریکی و دیگری برای آموزش‌های کماندویی دریایی (جعفری ولدانی، ۱۳۷۷: ۱۳۲-۱۳۴). همچنین مستشاران صهیونیستی اغلب به یورش ارتش اتیوپی به شهرهای اریتره و نابودی روستاهای آن اشراف و نظارت داشته‌اند (ابوفضل، ۲۰۰۴).

رژیم صهیونیستی برای برقراری روابط با کشورهای آفریقایی به‌ویژه منطقه شرق آفریقا شیوه‌های خاصی به کار می‌برد؛ از جمله به روابط دوستانه با رهبران آفریقایی یا نامزدهایی که در آینده احتمال رهبری آن‌ها وجود دارد توجه ویژه‌ای می‌کند. همچنین در ادراک و ذهنیت دستگاه سیاست خارجی این رژیم، به جایگاه و نقش حیاتی نظامیان

کشورهای آفریقایی توجه شده است. عیدی امین، رئیس جمهور پیشین اوگاندا، از افسران آفریقایی بود که در فلسطین اشغالی آموزش نظامی و دوره‌های ستادی دیده بود. جومو کیناتا، رئیس جمهور پیشین کنیا، در آستانه استقلال کشورش اعلام کرد اولین گروه از خلبانان کشورش به صورت سری در فلسطین اشغالی آموزش‌های نظامی و فنی دیده‌اند (النعمی، ۲۰۰۱). در نیمه دهه شصت، رژیم صهیونیستی نیروهای مسلح کشورهای منطقه شرق آفریقا همچون اتیوپی، کنیا، اوگاندا و تانزانیا را آموزش نظامی، فنی و ستادی داده بود و در پایان سال ۱۹۶۶م آشکار شد که ۱۵۰ نفر از جوانان تانزانیا برای یادگیری آموزش‌های نظامی به فلسطین اشغالی فرستاده شده بودند. در راستای مناسبات نظامی این رژیم و کشورهای آفریقایی، اولین گروه از خلبان‌های نظامی منطقه شرق آفریقا توسط افسران صهیونیستی و در فلسطین اشغالی آموزش‌های فنی و نظامی دیده‌اند. دیدگاه اغلب سران کشورهای آفریقایی تازه استقلال یافته به‌ویژه سران کشورهای منطقه شرق آفریقا به رژیم صهیونیستی مثبت بوده است. برای مثال نایرره، رئیس جمهور پیشین تانزانیا، چنین گفته است: «اسرائیل کشور کوچکی است؛ ولی این قدرت را دارد که برای کشوری مثل کشور من، چیزهای زیادی عرضه کند. ما می‌توانیم درس‌های مفیدی از اسرائیل بیاموزیم؛ زیرا دو طرف با مشکلات مشابهی مواجه هستیم که در رأس آن، دو مشکل مهم و اساسی یعنی ساختن امت واحده و سپس آباد کردن زمین و ایجاد تحول مادی و اقتصادی در کشور است.» رژیم صهیونیستی در دهه هفتاد و هشتاد، کمک‌های فنی و مهندسی در زمینه کشاورزی، دامپروری و توسعه پایدار به کشورهای آفریقایی از جمله اتیوپی و تانزانیا عرضه کرده است (رحله یهود الفلاشا عبر التاريخ، ۲۰۰۴).

### سفر وزیر امور خارجه به‌عنوان سرآغاز تحول در روابط با کشورهای منطقه شاخ و زیر صحرا

آویگدور لیبرمن، وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی، در دوم سپتامبر ۲۰۰۹م (یازده شهریور ۱۳۸۸) سفری هشت‌روزه را به پنج کشور آفریقایی اتیوپی، کنیا، غنا، نیجریه و اوگاندا همراه با هیئتی بیست‌نفره متشکل از بخش‌های تجاری و سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف به‌ویژه تسلیحات آغاز کرد. این سفر که اولین دیدار یک مقام عالی‌رتبه رژیم صهیونیستی طی بیست سال گذشته از قاره آفریقا به‌ویژه منطقه شاخ و زیر صحرا آفریقا است، از ابعاد مختلفی حائز اهمیت است.

## ویژگی‌های کشورهای هدف سفر وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی از دیدگاه این رژیم

انتخاب کشورهای هدف این سفر نشان‌دهنده برنامه و اهداف خاص رژیم صهیونیستی در این منطقه از آفریقا است که چکیده‌وار شرح داده می‌شود:

### اتیوپی

این کشور همواره مرکز ثقل سیاست آفریقایی رژیم صهیونیستی بوده است. اتیوپی دومین دولت آفریقایی بود که با رژیم صهیونیستی روابط دیپلماتیک برقرار کرد. روزنامه *السیاسیه* چاپ کویت دو سال پیش اسنادی را فاش نمود که براساس آن، نقش صهیونیست‌ها در تشویق ارتش اتیوپی و مهاجرت تعداد زیادی از آنان به سرزمین‌های اشغالی و نیز فشار و تضعیف مسلمانان اتیوپی توسط استعمارگران غربی، موجب توجه خاص رژیم صهیونیستی به این کشور به‌عنوان پایگاه سیاسی-فرهنگی شده است (<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=1310320>). رژیم اشغالگر قدس از زمان شکل‌گیری، اتیوپی را هم‌پیمان راهبردی خود می‌داند؛ چرا که این کشور حکم حافظ منافع رژیم صهیونیستی را در دریای مدیترانه دارد. نمونه آشکار حمایت اتیوپی از رژیم در زمان هایل هیل سیلاسی مشاهده شد که به تبار یهودی خود افتخار می‌کرد و خود را نوه دختری یهودا و نوه پسری ملکه سبا می‌دانست. علاوه بر هایل سیلاسی، در زمان افرادی همچون منگیستو هایل ماریام، دیکتاتور سابق، و ملس زناوی، نخست‌وزیر فعلی نیز چنین وضعی حاکم بود. امروزه، اتیوپی به‌حکم هم‌پیمانی‌اش با ایالات متحده به‌عنوان قدرت منطقه‌ای حاکم بر شاخ آفریقا شناخته می‌شود (<http://www.parsa-ds.com/201654/sec-1fp-4.aspx>).

### کنیا

این کشور میزبان مهم‌ترین پایگاه موساد در آفریقا بوده است. براساس گزارش‌های موجود، روابط رژیم صهیونیستی و کنیا به‌دلیل رویکردهای شورای کلیسای کنیا در حمایت از «مسیحیت صهیونیسم» و روابط تجاری بین این کشورها با شرکت‌های یهودی فعال به گذشته باز می‌گردد. علاوه بر این، کنیا کانون حضور شرکت‌های صهیونیستی در زمینه تجارت توتون، چای و قهوه در منطقه است.

## غنا

این کشور اولین ایستگاه سیاست آفریقایی اوباما و همواره مورد توجه سران آمریکا بوده است. غنا به تازگی کاندیدای تجمع پایگاه‌های نظامی آمریکا در آفریقا موسوم به AFRICOM شده است که برای رژیم صهیونیستی اهمیت حیاتی دارد. تأمین سلاح این کشورها، با هدف تغییر ساختار حاکمیتی آنان، برای رژیم صهیونیستی حائز اهمیت است. رژیم صهیونیستی اولین رژیمی بود که سفارتش را در آکرا، پایتخت غنا، به فاصله کمتر از یک ماه از استقلال این کشور در سال ۱۹۵۷م گشود. هماهنگی رژیم صهیونیستی با رهبران این کشور در واقع مکمل و تقویت‌کننده نقش آمریکا در این کشور است. آکرا هم‌اکنون یکی از کانون‌های تبلیغ و ترویج فرهنگ آمریکایی در غرب آفریقا، و همواره مجری طرح‌ها و سیاست‌های آفریقایی واشنگتن است.

## نیجریه

نیجریه پرجمعیت‌ترین کشور آفریقا است و بیش از ۶۰ درصد مردمان آن مسلمان‌اند. نقش رهبران این کشور در سایر کشورهای غرب آفریقا مهم است. کلیسای نیجریه‌ای در تبلیغ و گسترش مسیحیت در این منطقه بسیار فعال است. رژیم صهیونیستی طی سه دهه توانسته است در میان رهبران سنتی نیجریه به‌ویژه خاندان سلطان سوکوتو (نوادگان شیخ عثمان دان فویو مؤسس دولت اسلامی در شمال نیجریه) نفوذ کند. همچنین، نیجریه مناسبات امنیتی و نظامی با رژیم صهیونیستی دارد و گارد محافظ رئیس‌جمهور همواره توسط افسران این رژیم تعلیم داده می‌شود. یکی دیگر از دلایل توجه رژیم صهیونیستی به نیجریه این است که ابوجا و لاگوس، مهم‌ترین شهرهای این کشور، مراکز پولشویی و کلاهبرداری جهان است و صهیونیست‌ها نقش مهمی در اداره این مراکز دارند. رژیم صهیونیستی در نیجریه به کمک قبیله «ایبو»، ساکن در منطقه شرقی نیجریه، با منطقه شمالی - که مسلط بر قدرت مرکزی و اغلب مسلمان‌اند - مقابله کرد تا جایی که این موضوع به استقلال منطقه شرقی با نام جمهوری «بیافرا» در سال ۱۹۶۷م انجامید. رژیم صهیونیستی این جمهوری را به ادعای اینکه جمعیت «ایبو» ملیت خاصی را تشکیل می‌دهند به رسمیت شناخت. علاوه بر این، دستگاه تبلیغاتی رژیم صهیونیستی جماعت ایبو را یهود آفریقایی می‌شمارد.

## اوگاندا

این کشور مرکز عملیات جنگ‌های محرمانه رژیم صهیونیستی در آفریقا است و بنا بر اطلاعات موجود، کمک‌های تسلیحاتی رژیم صهیونیستی از طریق این کشور به جنبش‌های شورشی فعال در جنوب سودان، شرق زئیر و همچنین هم‌پیمانان رژیم صهیونیستی در رواندا و برون‌دی می‌رسد.

لیبرمن در سفر به اوگاندا در مراسم بزرگداشت عملیات انتبه شرکت کرد. در این عملیات - که در سال ۱۹۷۶م رخ داد- واحد ویژه ارتش رژیم صهیونیستی برای آزادی گروگان‌های یک گروه چریکی فلسطینی وارد انتبه شد و طی آن تمام چریک‌های فلسطینی، چهار گروگان رژیم صهیونیستی و یونی نتانیا هو، برادر نخست‌وزیر فعلی در مقام افسر عملیات کشته شدند.

## اهداف پنهان سفر اخیر وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی به پنج کشور آفریقایی

رژیم صهیونیستی اهداف مختلفی را از فعال شدن در آفریقا دنبال می‌کند که برنامه سفر وزیر امور خارجه این کشور به پنج کشور مهم آفریقایی - که مناسبات بسیار خوبی با این رژیم دارد- سرآغاز زمینه‌سازی برای تحقق برخی از آنهاست. این اهداف را می‌توان در اهداف سیاسی، امنیتی و اقتصادی به این شکل تقسیم‌بندی کرد:

### اهداف سیاسی

رژیم صهیونیستی قبل از جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی در اکتبر ۱۹۷۳ با ۲۵ کشور آفریقایی روابط دیپلماتیک داشت؛ ولی از اول ژانویه ۱۹۷۴ این تعداد به پنج کشور شامل آفریقای جنوبی، لسوتو، مالاوی، سوازیلند و موریس کاهش یافت (oded,1987:2). در حال حاضر، اسرائیلی‌ها فقط در ده کشور آفریقایی حضور دارند و یازده کشور آفریقایی در تل‌آویو سفارتخانه دایر کرده‌اند که این روابط سیاسی بسیار کم‌رنگی است (<http://irdiplomacy.ir/index.php?Lang=fa&Page=26&DWritingId=238&Action=DWRitingBodyView>). سفر لیبرمن، وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی، به پنج کشور مهم آفریقایی به منظور به دست آوردن این اهداف سیاسی بوده است:

۱. احیای مجدد روابط دوجانبه با کشورهای آفریقایی: نفوذ رژیم صهیونیستی در آفریقا به ویژه در جنوب صحرای آن در دهه شصت قرن گذشته به اوج خود رسید و تا آغاز دهه هفتاد ادامه داشت؛ اما پس از جنگ سال ۱۹۷۳م اعراب و رژیم صهیونیستی،

کشورهای عضو سازمان وحدت آفریقا [۲] (OAU) در اقدامی گروهی هرگونه روابط با رژیم صهیونیستی را قطع کردند و به این ترتیب آفریقا به قاره‌ای خالی از رژیم اشغالگر قدس تبدیل شد. این امر سبب شد تا ۵۲ کشور عضو اتحادیه آفریقا که حق رأی بالایی در سازمان ملل دارند، همواره به نفع اعراب و علیه این رژیم عمل کنند. بر همین اساس، رژیم صهیونیستی می‌کوشد تا این موازنه قوا را به نفع خود تغییر دهد. امضای موافقت‌نامه برای برگزاری جلسات مشورتی منظم بین وزیر امور خارجه رژیم و همتای اتیوپیایی با هدف بررسی زمینه‌های نگرانی دوطرف از مسائل مختلف و همچنین ایجاد همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مؤید این مطلب است.

۲. زمینه‌سازی برای مبارزه با فرهنگ اسلامی - عربی در آفریقا: قاره آفریقا طی مدتی طولانی تحت نفوذ فرانسه (فرانکوفونی) و انگلیس (آنگلوفونی) بود. نفوذ فرانسه در این قاره همچنان باقی ماند؛ اما نفوذ انگلیس به سود آمریکا کاهش یافت. در این اوضاع، رژیم صهیونیستی سعی دارد تحت سایه نفوذ آمریکا از شرایط موجود به‌عنوان سرپوشی برای فعالیت‌هایش در این قاره استفاده کند تا بتواند جلوی پیشرفت فرهنگ عربی - اسلامی را بگیرد. فرهنگ عربی - اسلامی به نفوذ عربفونی منجر شده است و تهدیدی برای رژیم صهیونیستی در قاره آفریقا به‌شمار می‌رود. هم‌اکنون، یک هزار دیپلمات اسرائیلی از مجموع ۲ هزار دیپلمات این رژیم در جهان در آفریقا سرگرم طراحی و اجرای آن هستند که هدف آن تقسیم قاره سیاه از لحاظ جغرافیای سیاسی است. استفاده از واژه «آفریقای سیاه» برای کشورهای غیرعربی واقع در جنوب این قاره و واژه «آفریقای سفید» برای کشورهای عربی واقع در شمال این قاره از تلاش‌های نژادپرستانه رژیم صهیونیستی است. افزایش دامنه درگیری‌ها در کشورهای که در خط فرهنگی عربی - آفریقایی قرار دارند، همچون دارفور، چاد، نیجر، مالی و سومالی در چارچوب همین تلاش نژادپرستانه رژیم صهیونیستی ارزیابی می‌شود؛ به این معنا که رژیم صهیونیستی می‌کوشد رؤیای جنگ بین اعراب و آفریقایی‌ها را در قاره آفریقا شعله‌ور کند ( [http://www.qodsna.com/NewsContent-id\\_17469.aspx](http://www.qodsna.com/NewsContent-id_17469.aspx) ).

۳. حمایت از جریان‌های یهودی برای تصاحب قدرت: سیاست خارجی رژیم صهیونیستی می‌کوشد با حمایت از جریان‌ها و اقلیت‌های یهودی در کشورهای آفریقایی آن‌ها را به هرم قدرت نزدیک کند و سپس با تشکیل ائتلافی با حضور این رژیم از نفوذ کشورهای عربی در کشورهای آفریقایی بکاهد. حضور شرکت‌های بزرگ یهودی در این کشورها رژیم صهیونیستی را به براندازی حاکمیت کنونی کشورهای یادشده با

هدف تسریع در فعالیتهای ضد عربی و اسلامی مشتاق کرده است. اقلیتهای یهود در آفریقای جنوبی یکی از ثروتمندترین اقلیتهای یهود در جهان به شمار می‌آیند. براساس یکی از برآوردها، سهم امدادسانی جامعه یهود آفریقای جنوبی به خزانه‌داری رژیم عبری از نظر اهمیت در رتبه دوم و پس از آن، ایالات متحده آمریکا قرار دارد. در مقایسه چگالی جمعیتی این دو اقلیت و میزان کمک‌های آنها به خزانه‌داری دریافت می‌شود در بعضی از سال‌ها حجم کمک‌رسانی جامعه یهود آفریقای جنوبی افزون‌تر از ایالات متحده بوده است.

۴. مبارزه با گسترش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در آفریقا: وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی در سفر دوره‌ای خود به کشورهای آمریکای لاتین، که با هدف محدود کردن نفوذ ایران در این منطقه صورت پذیرفت، شکست خورد و به‌ناچار بدون کوچک‌ترین پیشرفتی در مناسبات دوجانبه میان این کشورها با رژیم به سفر خود پایان داد. این امر سبب شد تا مشاوران لیبرمن برای جبران این شکست طرحی را جایگزین آن کنند تا شاید بتوانند مناسبات رژیم صهیونیستی را با کشورهای شرق آفریقا گسترش دهند و بار دیگر شانس خود را برای ایجاد محدودیت برای سیاست‌های ایران در قاره بیازمایند. گفتنی است که مهاجران لبنانی در غرب و مرکز آفریقا که تعداد آنان به حدود ۳۰۰ هزار نفر می‌رسد و یا شیعیان خوجه پاکستانی‌الاصل - که بیشتر در منطقه شرق آفریقا حضور دارند - پشتوانه‌ای قدرتمند برای حضور ایران در بسیاری از کشورهای آفریقایی به‌شمار می‌روند. افزایش حضور ایران در مناطق آفریقا به‌منزله ایجاد فضای تضاد با سیاست‌های این رژیم تعبیر و تفسیر می‌شود.

سفر آقای دکتر احمدی‌نژاد، رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران، به سه کشور جیبوتی، کنیا و کومور در اسفند سال ۱۳۸۷ و تمایل کشورهای آفریقایی برای گسترش روابط با ایران - که سفر هیئت‌های عالی‌رتبه زیادی از کشورهای آفریقایی به تهران مؤید این مطلب است - موجب نگرانی شدید مقامات رژیم صهیونیستی شده است. این روابط سبب شد تا رژیم صهیونیستی با رایزنی با کشورهایی همچون اتیوپی، کنیا، غنا، اوگاندا و نیجریه، این کشورها را برای ایجاد محدودیت برای فعالیت ایران در این قاره متقاعد کند.

۵. جلب حمایت جانبدارانه کشورهای آفریقایی از این رژیم در موضوع بحران خاورمیانه: لیبرمن در سفر خود به کشورهای آمریکای لاتین و آفریقا پیشنهاد کرده است

کمک‌های تکنولوژیکی و امنیتی به آن‌ها عرضه کند و تبادل تجاری گسترده با آن‌ها داشته باشد تا شاید بتواند خود را جایگزین ایران کند. همچنین وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی درخواست‌هایی را نیز مطرح کرده است؛ از جمله توقف حمایت سیاسی آن‌ها از اعراب و آرمان‌های فلسطین در سازمان ملل متحد، اتخاذ مواضع جانبدارانه به نفع رژیم صهیونیستی و ایفای نقش مؤثر در سیاست انزوای ایران که رژیم صهیونیستی به دنبال گسترش آن است. علاوه بر این، افزایش فعالیت‌های شهرک‌سازی رژیم صهیونیستی در بیت‌المقدس و بی‌توجهی کابینه افراطی بنیامین نتانیاهو به طرح‌های صلح خاورمیانه - طرح‌هایی که بیشتر به نفع صهیونیست‌هاست تا ایفای حقوق مشروع ملت فلسطین - این رژیم را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در انزوای مطلق قرار داده است. این انزوا ایجاب می‌کند در مناطق محرومی همچون آفریقا به دنبال کسب حمایت از راه‌های مختلف باشد.

۶. تلاش برای کم‌رنگ کردن اظهارات اخیر قذافی علیه این رژیم در اجلاس سران اتحادیه آفریقا: معمر قذافی، رهبر لیبی، در اظهاراتی در اجلاس ویژه سران اتحادیه آفریقا (۳۱ آگوست ۲۰۰۹) با تاختن بر سیاست‌های رژیم صهیونیستی آن را مسبب بسیاری از مشکلات و درگیری‌های کنونی در آفریقا معرفی کرد (<http://english.aljazeera.net>). وی با بیان اینکه رژیم صهیونیستی به بهانه حمایت از اقلیت‌ها در آفریقا بحران‌افکنی می‌کند، از کشورهای آفریقایی خواست تا تمام سفارتخانه‌های این رژیم را در سراسر آفریقا تعطیل کنند (<http://theadanreport.com/2009/08/31>). وی با اشاره به ضرورت متوقف کردن دخالت بیگانگان در امور داخلی آفریقا، به عنوان شاهدهی بر سخنانش، ادعا کرد گروه شورشی دارفور سودان دفتر خود را در تل‌آویو گشوده و این در حالی است که رهبران آن زیر چتر حمایتی فرانسه زندگی می‌کنند (<http://www.middle-east-online.com>). این سخنان در حالی بیان می‌شد که رژیم صهیونیستی به فعال بودن در جنگ‌های اتیوپی، اوگاندا و سودان با عنوان «سیاست رو به جلو در آفریقا» اعتراف کرده بود. تجربه تلخ گذشته این رژیم از ایجاد بحران در روابط با کشورهای آفریقایی سبب شد تا این سخنان جدی گرفته شود. لیبرمن نیز در مدت اقامتش در آدیس‌آبابا با موضع‌گیری در این زمینه، در سخنانی گفته بود که اتحادیه آفریقا باید تصمیماتی را اتخاذ کند که بتواند سرانجام

دیدگاه‌های مثبت کشورهای آفریقایی را بازتاب دهد. در واقع این سخنان پاسخی به سخنان معمر قذافی، رئیس دوره‌ای اتحادیه آفریقا بود.

### اهداف امنیتی

رژیم صهیونیستی از ابتدای تشکیل آن در سرزمین‌های اشغالی همواره با مشکل بسیار مهم و حیاتی تأمین امنیت روبه‌رو بوده است. احاطه شدن این رژیم بین کشورهای عربی و اسلامی - که به شیوه‌های مختلف موجودیت آن را به مخاطره انداخته‌اند - سبب شده است تا تأمین امنیت وجودی این رژیم همواره در اولویت برنامه‌های آن قرار بگیرد. به‌جز دغدغه ذهنی مقامات اسرائیلی برای فراهم آوردن زمینه‌های تأمین امنیت در داخل و محیط اطراف آن، مناطقی در خارج از منطقه خاورمیانه نیز مورد توجه قرار گرفته که مستقیم و یا غیرمستقیم بر امنیت این رژیم تأثیرگذار است. این موضوع سبب شده است رژیم صهیونیستی اقدامات زیادی را از افسانه‌سرایی در مورد تاریخچه منطقه تا حضور فعال نظامی در این مناطق در دستور کار خود قرار دهد. اهداف امنیتی رژیم صهیونیستی در طرح تحول رابطه با کشورهای آفریقای به‌ویژه در شرق آفریقا به این شرح است:

۱. کنترل بر منطقه مهم شاخ آفریقا و آبراه همجوار آن: کشورهای شاخ آفریقا از نظر موقعیت جغرافیایی و سیاسی اهمیت فراوانی دارند؛ زیرا این منطقه بر راه‌های دریایی تسلط دارد که به آب‌های رژیم صهیونیستی پایان می‌یابد. علاوه بر این، منطقه شاخ آفریقا به کشورهای هم‌چون مصر، یمن و به‌طور کلی به شبه‌جزیره عربستان اشراف دارد که این موضوع از لحاظ امنیتی و تأثیرات آن بر امنیت رژیم صهیونیستی حائز اهمیت است. همان‌گونه که لیبرمن گفته است رژیم اشغالگر قدس از واکنش کشورهای عرب در برابر امنیت آن بیم ندارد، بلکه این رژیم تنها از واکنش کشورهای ایران و چین نگران است. آنچه او آشکارا به زبان نیاورده، این است که کشورهای عرب از نظر رژیم صهیونیستی هم‌پیمان آن به‌شمار می‌روند و در برابر طرح‌های این رژیم واکنش منفی نشان نمی‌دهند. رژیم صهیونیستی تلاش کرده است به‌وسیله بندر عقبه در خلیج عقبه راه ارتباطی خود را با دریای سرخ و اقیانوس هند حفظ کند ( <http://www.heritage.org/research/middleeast/bg244fm> ).

به‌دلیل پیوند امنیت رژیم صهیونیستی با دریای سرخ، صهیونیست‌ها گرایش دارند در حل اختلافات دریای سرخ به‌ویژه در آن بخش‌هایی که بر آزادی کشتیرانی، تجارت و

همکاری اقتصادی با جهان خارج تأثیرگذار است به‌عنوان واسطه عمل کنند. تلاش برای تسلط بر دریای سرخ یکی از مهم‌ترین اهداف راهبردی رژیم صهیونیستی از زمان تأسیس این رژیم تاکنون بوده و است (<http://www.jomhourieslami.com/1386/13860910>) این تلاش به‌ویژه پس از حضور رژیم صهیونیستی در خلیج عقبه در سال ۱۹۴۹م بسیار شد. این رژیم می‌کوشد بدین وسیله راه ارتباط خود را با جهان خارج از طریق دریای سرخ هموار سازد. دریای سرخ و منطقه شاخ آفریقا اهمیت ویژه‌ای برای رژیم صهیونیستی دارد و بر همین اساس، این رژیم همچنان برای تحقق اهداف خود و سیطره بر دریای سرخ از سه محور سیاسی، تجاری و نظامی تلاش می‌کند.

پس از فروپاشی حکومت ژنرال زیادبارة در ژانویه ۱۹۹۱م و چیرگی پیامدها و بازتاب‌های جنگ داخلی در این کشور و بر تمام ارکان زندگی جامعهٔ عشیره‌ای سومالی، دخالت سازمان ملل و آمریکا برای محدودسازی ابعاد جنگ داخلی، و تنش قبایل و عشایر این سرزمین، رژیم صهیونیستی در پرتو حضور نظامیان آمریکا و حافظان صلح سازمان ملل فرصت‌هایی برای حضور در سومالی یافت و در نیمهٔ دوم ۲۰۰۱م، حضورش را در قالب سازمان‌های امدادرسانی و نوع‌پرستی گسترش داد. به‌همین منظور، مراکزی را برای امدادرسانی و توزیع کمک‌های بشردوستانه در شهرهای مهم سومالی با حمایت ایالات متحدهٔ آمریکا بر پا کرد. رژیم صهیونیستی علاوه بر تمرکز فعالیتش در امدادرسانی، با حمایت مستقیم و غیرمستقیم اتیوپی و آمریکا با گروه‌های سومالیایی ارتباطات گوناگونی برقرار کرده است. در گذشته، مردم غیور سومالی با هر گونه حضور رژیم صهیونیستی در کشورشان بسیار مخالف بودند؛ ولی اکنون به‌سبب گسترهٔ فجایع جنگ داخلی و آشفتگی عمومی و اوضاع نابسامان کشورشان، هر گونه کمک و صدقه‌ای را از رژیم صهیونیستی به‌آسانی می‌پذیرند [۳].

رژیم صهیونیستی همواره در پی غیرعربی‌کردن دریای سرخ بوده است. بروز ناامنی در این منطقه و در نتیجهٔ آن بین‌المللی کردن آن سبب می‌شود تا زمینه‌های زیادی برای این اقدام رژیم فراهم آید. بنابراین، برای این منطقه دو سناریو وجود دارد: امنیت کردن دریای سرخ و بین‌المللی کردن امنیت این منطقه. یکی از علت‌های مهم تلاش‌های رژیم صهیونیستی، نگرانی این رژیم از این احتمال است که کشورهای عربی دریای سرخ را به دریای عربی تبدیل کنند که این موضوع می‌تواند زمینه‌ساز محاصرهٔ کشتی‌های اسرائیلی باشد. این نگرانی به‌ویژه با بسته شدن چندبارهٔ تنگه‌های «تیران» و «باب‌المنذب» در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳م قوت گرفت. به‌همین دلیل، رژیم

صهیونیستی برای تحقق اهداف خود و سیطره بر دریای سرخ از چندین محور تلاش می‌کند: از یک سو نیروهای مسلح خود را تقویت می‌کند و روابط سیاسی بسیار نزدیکی با کشورهایمانند اتیوپی برقرار می‌کند از سوی دیگر نیز از تمام توان خود برای استفاده از جزیره‌های دریای سرخ بهره می‌گیرد.

در سوم آوریل ۲۰۰۹ خبری منتشر شد مبنی بر اینکه دزدان دریایی سومالی به کشتی تجاری رژیم صهیونیستی حمله کردند؛ اما با اقدام به‌هنگام نیروی هوایی رژیم اقدام دزدان ناکام ماند (<http://www.javno.com>). اقدام موفق رژیم صهیونیستی در نجات کشتی تجاری خود از دست دزدان دریایی سومالیایی در کنار حمله نیروی هوایی این رژیم در ژانویه ۲۰۰۹م به کاروان کمکرسانی سودان - که عازم نوار غزه بود - به دنبال القای برتری نیروی هوایی این رژیم در محدوده امنیتی مورد نظر آن یعنی دریای سرخ، تنگه باب‌المندب و منطقه شاخ آفریقا، به منظور مقابله با هرگونه تهدید جدی در این منطقه است. اقدام رژیم صهیونیستی ضمن زمینه‌سازی برای حضور فعال در شرق آفریقا، در راستای سیاست تضعیف کشورهای عربی منطقه دریای سرخ و افزایش حوزه نفوذ خود در این آبراه تعبیر و تفسیر می‌شود.

گفتنی است که در ماه‌های جولای و آگوست ۲۰۰۹م هنگامی که تنش میان تهران و تل‌آویو افزایش یافت، رژیم صهیونیستی یکی از سه زیردریایی کلاس دلفین ساخت آلمان خود را به همراه دو رزمناو به دریای سرخ فرستاد که این اقدام هشدار روشنی به تهران بود.

۲. تسلط بر سرچشمه رود نیل و استفاده از قدرت چانه‌زنی بالا: منطقه دریاچه‌های بزرگ و حوزه دره نیل، در ابعاد مختلف برای طرح‌های استراتژیک رژیم صهیونیستی در منطقه شرق آفریقا دارای اهمیت ژئوپولیتیکی و ژئواکونومیکی است. در این منطقه، مهم‌ترین منابع آبی حوزه رود نیل واقع شده است که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین دریاچه‌های آفریقا و منابع آبی آن به‌شمار می‌آید؛ از جمله دریاچه تانگانیا، کیوو، دریاچه جورج، آلبرت و دریاچه معروف ویکتوریا (<http://www.palestine-persian.info/fa/default>).

انگیزه‌های سلطه‌جویی قدرت‌های فرامنطقه‌ای، اهمیت موقعیت ژئواستراتژیکی این منطقه را پس از جنگ سرد تحریک کرده است؛ زیرا این منطقه، همانند منطقه هارتلند (قلب) آفریقا است و تسلط بر آن، غلبه بر سایر مناطق آفریقا را آسان و امکان‌پذیر می‌کند. با توجه به اهمیت حیاتی رود نیل برای کشورهای حوزه آن به‌ویژه مصر و سودان سه کشور اتیوپی، کنیا و اوگاندا، به‌عنوان تأمین‌کنندگان اصلی منابع آبی رود

نیل، در برنامه سفر وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی قرار گرفتند. کشورهای سودان و مصر همواره طی شش دهه اخیر نگران تحركات شیطنت‌آمیز رژیم صهیونیستی در منابع نیل بوده‌اند. در مقابل، رژیم صهیونیستی نیز برای مدیریت روابطش با مصر همواره از نفوذ و حضورش در این دره استراتژیک به خوبی استفاده کرده است. با توجه به این واقعیت که اتیوپی بر دریاچه تانا - که رود نیل آبی از آن سرچشمه می‌گیرد - اشراف دارد و دریاچه ویکتوریا - که تشکیل‌دهنده رود نیل سفید است - در اختیار اوگاندا و کنیاست، وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی به رهبران این سه کشور برای اجرای طرح‌های آبیاری و سدسازی قول‌های مساعدی داده است.

۳. مقابله با رشد حضور القاعده در منطقه شاخ آفریقا: با توجه به رشد حضور القاعده در شاخ آفریقا به‌ویژه در سومالی، اتهام کشورهای غربی مبنی بر حمایت کشورهایمانند عربستان، امارات و قطر از این گروه و گروه‌های وابسته به القاعده از جمله گروه الشباب المجاهدین که در حال حاضر بر بخش وسیعی از جنوب سومالی مسلط می‌باشد، و نیز با توجه به اشراف بودن این منطقه بر مسیر دریایی منتهی به بندر «ایلات» و «کانال سوئز» که تهدیدی علیه منافع امنیتی رژیم صهیونیستی خواهد بود، ضرورت ایجاب می‌کند تا تدابیری به کار گرفته شود. بر همین اساس، تحکیم روابط سیاسی و امنیتی با کشورهای منطقه از قبیل اتیوپی و کنیا از مهم‌ترین اهداف این سفر بوده است.

۴. اعمال فشار بیشتر بر دولت مسلمان سودان در شاخ آفریقا: رژیم صهیونیستی همواره از وجود سودان قدرتمند در شاخ آفریقا نگران بوده است و برای جلوگیری از تحقق آن تلاش می‌کند با عرضه کمک‌های تسلیحاتی و اطلاعاتی به شورشیان جنوب و مخالفان دولت مرکزی سودان، این مشکل را حل کند. کمک‌های رژیم صهیونیستی به شورشیان جنوب سودان از اواخر سال ۱۹۹۰م شروع شد. در این دوره، سازمان‌های اسرائیلی بر افزایش کمک‌های پشتیبانی و نظامی به شورشیان تمرکز کردند که در نتیجه آن فرستادن اسلحه به گارانگ از طریق اتیوپی و کنیا افزایش یافت. این کمک‌ها شامل سلاح‌های سنگین ضدتانک، موشک‌های تاو و توپ‌های ضدهوپیما از نوع فولکان و توپ‌های سنگین بود که با افزایش شمار مستشاران اسرائیلی و نیز افزایش پذیرش نیروهای ارتش گارانگ در رژیم صهیونیستی جهت آموزش نظامی همراه بود (<http://www.afrac.ir>). رژیم اشغالگر قدس از فرستادن تسلیحات از طریق سودان و مصر به اراضی فلسطین نگران است؛ برای مثال،

می‌توان به حمله جنگنده‌های این رژیم در ژانویه و فوریه ۲۰۰۹م به دو کاروانی اشاره کرد که ادعا می‌شد در حال انتقال تسلیحات از خاک سودان برای حماس در نوار غزه بودند - <http://africannewsanalysis.blogspot.com/2009/09/israel-eyes-big-arms-sales-in-africa>. بنابراین، می‌توان حضور قدرتمند این رژیم را در سرچشمه‌های رود نیل که بخشی از حیات سودان را تأمین می‌کند، تحلیل کرد.

۵. ایجاد زمینه‌های نفوذ بیشتر در کشورهای آفریقایی: رژیم صهیونیستی در صد گنجاندن تعداد بیشتری از آفریقایی‌ها در دایره نفوذ یهود از طریق تبلیغات مذهبی یهودی و سازمان‌دهی گروه‌های یهودی موجود است. این رژیم تاکنون موفقیت‌های زیادی را در کشورهای اوگاندا، کنیا و آفریقای جنوبی به دست آورده است. یکی از ویژگی‌های سیاست رژیم صهیونیستی در قاره آفریقا تعامل با گروه‌های مشخص آفریقایی است. این تعامل فراتر از تعامل موقتی است که با سازمان‌های دولتی آفریقایی و گروه‌های مهم سیاسی انجام می‌دهد. رژیم صهیونیستی به این گروه‌ها، اگر داخل قدرت حاکمه بوده و پایگاهی داشته باشند و در تحکیم و تعمیق روابط با رژیم صهیونیستی مؤثر باشند، کمک می‌کند. همچنین به گروه‌های خارج از قدرت سیاسی برای ایجاد آشوب، درگیری و بی‌ثباتی در کشورهای دشمن رژیم صهیونیستی نیز یاری می‌رساند. رژیم صهیونیستی به اهمیت پیوند فکری بین سنت‌های صهیونیستی و سنت‌های این گروه‌ها بی‌توجه نبوده است؛ برای ادامه کمک رژیم صهیونیستی به قبیله «دینکا» در جنوب سودان برای ایجاد آشوب و ناامنی در این منطقه بوده است. همچنین ایجاد بدبینی بین اعراب و آفریقایی‌ها به گونه‌ای که مانع ایفای نقش سودان در جهان عرب و اسلام و حتی آفریقا شود؛ زیرا سودان نمونه زندگی مسالمت‌آمیز قبایل عرب و آفریقایی در جهان عرب و آفریقا به‌شمار می‌آید (<http://www.afraan.ir>).

در بررسی وضعیت اقلیت یهود سیاه ساکن رژیم صهیونیستی، دریافت می‌شود که این گروه و اقلیت برخوردار از هویت یهودیان سیاه‌پوست، رژیم صهیونیستی را بخشی از خاک آفریقا می‌شمارند (Markowitz, 1969-206 vide. v.)؛ زیرا معتقدند در سرزمین یادشده ملت‌های رنگین‌پوست آفریقا می‌زیسته‌اند. به هر حال، نمی‌توان اقلیت‌های یهود را در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در روابط رژیم صهیونیستی با آفریقا کم‌اهمیت دانست؛ زیرا حدود ۲۰ درصد از مجموع یهودیان مهاجر به رژیم صهیونیستی در فاصله سال ۱۹۴۸ - ۱۹۹۵م از آفریقا بوده است [۴].

## اهداف اقتصادی

شیمون پرز، نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی، در کتاب خود به نام *خاورمیانه جدید* استراتژی سنتی رژیم صهیونیستی را -که بر تجاوز و توسعه‌طلبی ارضی مبتنی است- رد می‌کند. وی در این کتاب با توجه به روند تحولات جهانی، ضرورت بازنگری در این استراتژی را یادآوری می‌کند. دیدگاه‌های پرز بر واقعیت‌های دنیای کنونی مبتنی است. تحولات جهانی نشان می‌دهد دیگر وسعت یک کشور به‌تنهایی عامل قدرت نیست؛ به‌عبارت دیگر، عصر توسعه‌طلبی ارضی سپری شده است. حتی امپراتوری‌هایی که با تجاوز به کشورهای همسایه و اشغال اراضی آن‌ها شکل گرفتند، مانند اتحاد جماهیر شوروی، امروزه به‌آسانی از این متصرفات چشم‌پوشی می‌کنند. پرز نیز به این نتیجه رسیده است که رژیم صهیونیستی باید سیاست توسعه ارضی یا نظریه از نیل تا فرات را رها کند. از سوی دیگر در دنیای امروز، مفهوم سنتی قدرت که بر پایه قابلیت‌های نظامی استوار بوده، تحت‌تأثیر مفهوم جدید قدرت یعنی براساس توانایی‌های اقتصادی و تکنولوژیک قرار گرفته است. در حال حاضر، قدرت اقتصادی تعیین‌کننده جایگاه و نقش کشورها در نظام بین‌المللی است. پرز نیز بر همین اساس استراتژی جدید رژیم صهیونیستی را بر مبنای همکاری‌های اقتصادی تعریف می‌کند (<http://www.rasad.ir>). بر همین اساس، اهداف اقتصادی سفر وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی به این شرح است:

۱. تجارت پرسود تسلیحات: هیئت همراه لیبرمن متشکل از نمایندگان وزارت دفاع، شورای امنیت ملی و مهم‌ترین شخصیت‌های نظامی رژیم صهیونیستی از مدیران Soltam، صنایع نظامی رژیم صهیونیستی<sup>۱</sup>، صنایع هوا-فضای رژیم صهیونیستی<sup>۲</sup>، شرکت سیستم‌های امنیتی پیشرفته سیلور شادو<sup>۳</sup>، کشتی‌سازی و تولید سیستم‌های با فناوری بالای نظامی<sup>۴</sup> بود (<http://africannewsanalysis.blogspot.com/2009/09>). اگرچه لیبرمن در این سفر قرارداد فروش تسلیحات نظامی را با کشورهای مقصد امضاء نکرد، به نظر مقامات رژیم صهیونیستی همچنان قراردادهای زیادی با کشورهای آفریقایی به ارزش صدها میلیون دلار در انتظار کارخانجات سلاح‌سازی این رژیم است. در واقع، این قراردادها نشان‌دهنده برنامه گسترده رژیم برای فروش تسلیحات و

1 . Israel Military Industries

2 . Israel Aerospace Industries

3 . Silver Shadow Advance Security System Ltd

4 . Israel Shipyard and Elbit System

آموزش دادن نیروهای نظامی برخی کشورهای آفریقایی به‌ویژه کشورهای هدف است. در همین باره، می‌توان از قرارداد ۲۵ میلیون دلاری فروش دو شناور نظامی به نیجریه یاد کرد که در این سفر به امضا رسید. وجود زمین‌های درگیری قومی و قبیله‌ای در آفریقا این امکان را به رژیم صهیونیستی داده است تا با دامن زدن به این درگیری‌ها، زمینه‌های فروش تسلیحات بیشتر و همچنین اعزام مستشاران نظامی خود برای آموزش نیروهای نظامی را فراهم آورد.

از آنجایی که آفریقا عمق استراتژیک جهان عرب به‌شمار می‌رود، رژیم صهیونیستی نقش محوری را در مسلح کردن رژیم‌های آفریقایی از جمله سومالی، سودان، اریتره و آفریقایی جنوبی و تشدید بحران‌های موجود میان آنان ایفا می‌کند. علاوه بر این، رژیم صهیونیستی بخشی از این قاره را به محلی برای آزمایش‌های نظامی و علمی خود تبدیل کرده است که این سبب تخریب زمین‌های کشاورزی و ترویج فساد و فلاکت در این مناطق شده است (<http://weekly.ahram.org.eg/opinion>).

نکته درخور توجه این است که بسیاری از افسران جوان اطلاعاتی اسرائیلی سال‌های اول شروع فعالیتشان در دستگاه امنیتی رژیم صهیونیستی را در آفریقا گذرانده‌اند که می‌توان به David Kimche, Reuven Merhav, Nahum Admoni اشاره کرد. با توجه به لزوم ایجاد زمینه‌هایی برای درآمدزایی افراد بازنشسته نظامی رژیم صهیونیستی، افرادی در هیئت همراه لیبرمن به دنبال تسهیل امضای قراردادهایی برای آموزش نیروهای نظامی و امنیتی آفریقایی بودند.

۲. حضور فعال در بخش‌های مهم زیرساختاری و تأثیرگذار اقتصادی آفریقایی از جمله در کشاورزی: کشاورزی فعال‌ترین بخش بسیاری از کشورهای آفریقایی و منبع اصلی درآمد شمار زیادی از آن‌هاست. این وضع موجب شده است رژیم صهیونیستی با اجرای طرح‌های کشاورزی و خرید زمین‌های زراعت و تملک آن‌ها در آفریقا فعال شود (<http://www.jomhourieslami.com/1386/13860910>). با توجه به نیاز اساسی کشورهای آفریقایی برای رسیدن به درجه‌ای از امنیت غذایی به‌منظور مقابله با قحطی و فقر، رژیم صهیونیستی تلاش کرده است با استفاده از تجربیات خوب خود در کشاورزی، از این حربه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل نفوذ و تأثیرگذاری در این کشورها بهره‌برداری کند. راه‌اندازی طرح‌های کشاورزی همچون طرح مشترک کشاورزی آمریکایی-اسرائیلی در اتیوپی یکی از این برنامه‌هاست. این طرح که

توسط مرکز اسرائیلی برای همکاری‌های بین‌المللی موسوم به MASHAV و با سرمایه‌گذاری USAID انجام شد، یکی از طرح‌های اجرایی سفر لیبرمن به اتیوپی بود. شایان ذکر است که «مرکز اسرائیلی برای همکاری‌های بین‌المللی»<sup>۱</sup> و «قلب یهودی برای آفریقا»<sup>۲</sup> دو نمونه از نهادهای اسرائیلی برای همکاری با آفریقا در زمینه فناوری است (<http://www.export.gov.il>). مؤسسه «قلب یهودی برای آفریقا» تأمین‌کننده فناوری‌های خورشیدی برای مصارف روشنایی و صنعتی همچون استخراج آب توسط پمپ در مناطق روستایی است.

۳. تلاش برای تسلط بر منابع نفتی و ذخایر سنگ‌های قیمتی: تعدادی از کشورهای آفریقایی مانند آنگولا و نیجریه دارای منابع غنی و عظیم نفت، برخی دیگر مانند کنگو و بوتسوانا دارای سنگ‌های قیمتی همچون الماس، و سومالی دارای اورانیوم و طلاست. این ذخایر و منابع سبب شده است تا این رژیم ضمن تلاش برای مشارکت در اکتشاف، استخراج و صادرات نفت به‌عنوان دومین پردازشگر الماس در جهان، درصد در دست گرفتن بازار الماس آفریقا برآید. نیجریه هفتمین تولیدکننده نفت در جهان و بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت در قاره آفریقا است. شرکت‌های نفت آمریکایی «شورون» و انگلیسی «بریتیش پترولیوم» در صنعت نفتی این کشور فعال‌اند و رژیم صهیونیستی در این دو شرکت سرمایه‌گذاری کرده است. آنگولا نیز چهارمین کشور تولیدکننده نفت در قاره آفریقا است (<http://strategicreview.blogspot.com/2009/09>). منابع نفتی کشورهای آفریقایی موجب اهمیت این کشورها در سیاست‌های اقتصادی رژیم صهیونیستی در آفریقا شده است. همچنین، وجود ذخایر اورانیوم، توریوم و سایر مواد رادیواکتیو در این کشورها باعث شده است این رژیم تلاش کند ضمن بهره‌برداری لازم از این منابع برای تولید سوخت هسته‌ای مورد نیازش، زمینه‌های دسترسی احتمالی جمهوری اسلامی ایران به این ذخایر را غیرممکن کند.

۴. حمایت از شرکت‌های سرمایه‌گذاری و مراکز پولشویی اسرائیلی در آفریقا: استقرار بیشتر شرکت‌های بین‌المللی یهودی در آفریقا هم‌زمان با طرح‌های اقتصادی مستقیم رژیم صهیونیستی در بخش خدمات از طریق همکاری با شرکت‌های اروپایی و آمریکایی یکی از اقدامات اقتصادی رژیم صهیونیستی در کشورهای آفریقایی است.

1 . Mshav

2 . The Jewish Heart for Africa

علاوه بر این، مراکز پولشویی در نیجریه - که در دست یهودیان است - به عنوان یکی از منابع اصلی درآمد، از حمایت‌های بی‌دریغ این رژیم برخوردار است.

۵. سرمایه‌گذاری در بخش سدسازی کشورهای آفریقایی به‌ویژه در حوزه رود نیل: کشورهای مصر و سودان دو توافق‌نامه درباره استفاده از آب رود نیل در سال‌های ۱۹۲۶ و ۱۹۵۹ امضا کردند. براساس این توافق‌نامه‌ها، مصر و سودان حق دارند به ترتیب ۵۵/۵ میلیارد متر مکعب و ۱۸/۶ میلیارد متر مکعب از آب نیل بهره‌برداری کنند. از دیدگاه مقامات اتیوپیایی، توافق‌نامه‌های امضا شده بین سودان و مصر برای سایر کشورهای حوزه رود نیل لازم‌الاجراست و در واقع شیوه تقسیم آب باید تجدیدنظر شود. بر همین اساس و با فشار اتیوپی، در سال ۱۹۹۹م کشورهای حوزه رود طرحی به نام «ابتکار حوزه نیل»<sup>۱</sup> را به منظور تنظیم شیوه بهره‌برداری عادلانه از آب رود نیل تصویب کردند. حوزه رود نیل در دایره سیاست راهبردی رژیم صهیونیستی قرار دارد و این رژیم از رهگذر نفوذ و گسترش سلطه در این منطقه، قابلیت‌های بالفعلی را برای تهدید امنیت ملی کشورهای عربی همچون سودان و مصر خواهد داشت. در واقع، هدف درازمدت رژیم صهیونیستی در آفریقا، سرمایه‌گذاری گسترده در سدسازی روی نیل است تا بتواند ضمن حضور مؤثر در اقتصاد کشورهای آفریقایی، جریان آب رود نیل را به سوی مصر و سودان کاهش دهد و از این راه اهداف مورد نظر خود را در منطقه تحقق بخشد.

### نتیجه‌گیری

رژیم صهیونیستی پس از اینکه در سال ۱۹۵۶م به عنوان اولین رژیم که سفارتش را در آکرا پایتخت کشور غنا (به فاصله کمتر از یک ماه از استقلال آن کشور) گشود، تاکنون تمام توان خود را برای نفوذ بیشتر در قاره آفریقا به منظور دستیابی به اهداف مورد نظر و با کمترین هزینه ممکن به کار بسته است. اگر جنگ اکتبر سال ۱۹۷۳م اعراب و رژیم صهیونیستی و به دنبال آن تصمیم کشورهای عضو سازمان وحدت آفریقا برای قطع رابطه با این رژیم رخ نداده بود، به احتمال زیاد سیاست توسعه طلبانه رژیم صهیونیستی موفقیت‌های بسیاری را به دست آورده بود. با وجود این، رژیم صهیونیستی با انتخاب چندین کشور مهم و محوری در آفریقا همچون اتیوپی، کنیا، کنگو، آنگولا، غنا و نیجریه - که از ابعاد سیاسی، امنیتی و اقتصادی برای پیشبرد سیاست‌های آفریقایی این رژیم

بسیار مناسب‌اند- در صد برآمده است با ایجاد تحول در ارتباط با این کشورها، ضمن تأمین منافع موردنظرش، زمینه‌های گسترش روابط جمهوری اسلامی ایران را با کشورهای آفریقایی به‌ویژه کشورهای یادشده، تا حد امکان محدود کند. سفر لیبرمن به پنج کشور آفریقایی، آن هم پس از بیست سال، نمودار تحول در سیاست منطقه‌ای آن است. این سفر زمانی انجام شد که رژیم صهیونیستی نیازمند کسب حمایت‌های بیشتر در مسائل پس از جنگ غزه بود که اوج آن به گزارش گلدستون درباره جنایات این رژیم در غزه مربوط می‌شد. بنابراین، دستیابی به بیشترین تأیید بین‌المللی برای استحکام موجودیت و سیاست‌های اتخاذشده از اولویت‌های این رژیم است.

منطقه استراتژیک شاخ آفریقا به دلیل شرایط و موقعیت جغرافیایی از اهمیت زیادی برای رژیم صهیونیستی برخوردار است. به همین دلیل، این رژیم تلاش کرده است ضمن نقش‌آفرینی در بحران‌های موجود در این منطقه، از شرایط موجود برای بهره‌برداری درگیری‌های خود با کشورهای عرب در خاورمیانه و در آفریقا (همانند سودان و مصر) استفاده بهینه کند. محدود کردن کشورهای عربی به‌ویژه به مخاطره انداختن آب‌های رود نیل و امنیت بندرهای دریای سرخ، ایجاد امکانات تولیدی و فنی به‌گونه‌ای که به تحقق سودهای کلان اقتصادی از طریق افزایش مبادلات بازرگانی منجر شود، توسعه بازار صادرات صنایع رژیم صهیونیستی و تضمین مواد خام، فراهم کردن زمینه‌های کار جدید برای توانمندی‌های فراوان رژیم صهیونیستی، تحکیم روابط بین رژیم صهیونیستی و کشورهای غربی به‌منظور تضمین منابع سرمایه‌گذاری و کمک به منافع رژیم صهیونیستی، و سرانجام مقابله با تحرکات اعراب در آفریقا از استراتژی‌های رژیم صهیونیستی در این قاره است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. وزارت امور خارجه آمریکا در دوره تصدی رایس، شاخ آفریقای بزرگ را شامل کشورهای سودان، اتیوپی، اریتره، جیبوتی، سومالی، اوگاندا و کنیا می‌دانست.
۲. سلف اتحادیه آفریقا (African Union)
۳. رژیم صهیونیستی با موافقت اتیوپی دو پایگاه نظامی در نزدیکی مرز میان اریتره و سودان تأسیس کرده و از طریق شرکت‌های متعدد بازرگانی خود در اریتره فعال است.
۴. براساس آمارهای سازمان همکاری رژیم صهیونیستی با آمریکا، تعداد مهاجران یهود که از آفریقا به سرزمین‌های اشغالی منتقل شدند از این قرار است: حدود ۴۸۴۰۶۸ نفر از مغرب عربی، ۳۸۱۶۱۸ نفر از اتیوپی، ۴۸۶۲۴ نفر از مصر و سودان و در سال‌های اخیر حدود ۱۶۲۷۷ نفر از آفریقای جنوبی. نگاه کنید به:

The American-Israeli cooperative Enterprise 1988at <www. Israel. Org./jsourc/ immigration>

### منابع

- النعمانی، صالح. «الفلاشا بعد ۱۷ سنه فی اسرائیل: لم نحمد السمن و العسل». *سایت اسلام اون لاین*. (۲۰۰۱/۵/۲۸).
- ابوفضل، محمد. «الفلاشا مره ثالثه من اثیویاک اسرائیل». *روزنامه الاتحاد*. چاپ امارات متحده عربی. (۲۰۰۴/۱/۲۷).
- بلوله، ابراهیم احمد (۱۳۸۴). «اسرائیل: استعمار جدید در آفریقا». ترجمه سید نعمت‌اله قادری. *فصلنامه مطالعات آفریقا*. صص ۷۷-۱۲۱.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۷). «بی‌ثباتی در حوزه دریای سرخ». *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*. ش ۱۳۲-۱۳۴.
- حسن، حمدی عبدالرحمن (۲۰۰۱). «صراع البحیرات العظمی... صناعه محلیه و خبره اجنبیه». *سایت الجزیره*. نت. ملفات خاصه.
- سعدالدین، نادیه. (۲۰۰۳). «الاقتصادی الاسرائیلی فی شرق آفریقا و انعکاسانه علی الامن القومی العربی». *مجله المستقبل العربی*. س ۲۶. ش ۲۹۲. صص ۳۳-۵۶.
- عادل عبدالرحیم. «مصر و الاردن تستعدان للمواجهه، هل تسدد القاهره و عمان فاتوره استجلاب ملیونی یهودی». سایت <http://us Mohect.Com>
- مفرحی، احمد (۱۳۷۷). «بحران منطقه دریاجه‌های بزرگ». *فصلنامه آفریقا*. س ۴. ش ۶. صص ۹۷-۱۱۴.
- مرکز المعلومات للدراسات و البحوث. «عملیتا موباسا و المصالح الاسرائیلیه فی آفریقا». *روزنامه الخلیج*. چاپ امارات متحده عربی. (۲۰۰۲/۱۲/۱۳).
- «رحله یهود الفلاشا عبر التاريخ». *روزنامه الاحداث*. چاپ رباط- مغرب. (۱۹ سپتامبر ۲۰۰۴).
- Arye Oded, *Africa and the Middle East Conflict*, Bouldr, co: Lynne Rienner, 1987
- Fran Markowitz, Israel as Africa, "Africa as Israel: "Divine Geography" in the personal Narratives and Community Identity of the Black Hebrew Israelites", *Anthropological Quarterly*, vol. 69 No .4, October 1969 pp193- 206
- http://www.rasad.ir/index.php?option=com\_yahood&Itemid=&page=farsi/ArticleFish&action=5&Id=13
- http://weekly.ahram.org.eg/opinion/In Focus:Israel in Africa.htm

- <http://www.haaretz.com/hasen/spages/1105679.html>
- <http://www.haaretz.com/hasen/spages/1113826.html>
- [http://www.waterworld.com/index/display/news\\_display/s-134989423.html](http://www.waterworld.com/index/display/news_display/s-134989423.html)
- <http://africannewsanalysis.blogspot.com/2009/09/israel-eyes-big-arms-sales-in-afica...>
- [http://www.jomhourieslami.com/1386/13860910/13860910jomhori\\_islami\\_09\\_siasi.HTML](http://www.jomhourieslami.com/1386/13860910/13860910jomhori_islami_09_siasi.HTML)
- [http://www.qodsna.com/NewsContent-id\\_17469.aspx](http://www.qodsna.com/NewsContent-id_17469.aspx)
- <http://english.aljazeera.net/news/africa/2009/08/2009831175324912159.html>
- [http://www.javno.com/en-world/somali-pirates-hijack-seyelles-yacht\\_۲۴۵۸۰۴](http://www.javno.com/en-world/somali-pirates-hijack-seyelles-yacht_۲۴۵۸۰۴)
- <http://www.iribnews.ir/NewsRoom.aspx?ID=۲۵۴۴۶۹۳۸>
- <http://www.jewishvirtuallibrary.org/jsource/Politics/mashav.html>
- <http://mashav.mfa.gov.il/mfm/web/main/missionhome.asp?MissionID=16210>
- <http://addisababa.mfa.gov.il/mfm/web/main/document.asp?SubjectID=604&MissionID=2&LanguageID=0&StatusID=0&DocumentID=-1>
- <http://theadanreport.com/2009/08/31/gaddafi-israel-aids-africa-wars>
- <http://www.middle-east-online.com/English/libya/?id=34012>
- [http://www.export.gov.il/Eng/\\_Articles/Article.asp?CategoryID=39&ArticleID=8360](http://www.export.gov.il/Eng/_Articles/Article.asp?CategoryID=39&ArticleID=8360)
- <http://africannewsanalysis.blogspot.com/2009/09/israel-eyes-big-arms-sales-in-africa.html>
- [http://strategicreview.blogspot.com/2009/09/blog-post\\_6004.html](http://strategicreview.blogspot.com/2009/09/blog-post_6004.html)
- <http://www.heritage.org/research/middleeast/bg244fm>
- <http://etka.fatehnet.net/content/view/3278/56>
- <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=131020>
- [http://www.parsa-ds.com/201654/sec\\_10/p49.aspx](http://www.parsa-ds.com/201654/sec_10/p49.aspx)
- The American-Israeli cooperative Enterprise 1988at (www. israel. Org./jsource / immigration)
- <http://www.palestine-persian.info/fa/default.aspx?xyz=U6Qq7k%2bcOd87MDI46n9rUxJEpMO%2bi1s7aOgS5spWrKTZTggTX6Jd1oxAEmgCGiqf%2feB9NwvNGRba2xjqP1x51Iso1nBB1HmP457ZL5f6O9cAQWt%2b2yoRIC188%2fPfq3FpS0IJoBZI%3d>
- <http://irdiplomacy.ir/index.php?Lang=fa&Page=2&DWritingId=23&Action=DWritingBodyView>
- [http://www.export.gov.il/Eng/\\_Articles/Article.asp?CategoryID=39&ArticleID=8360](http://www.export.gov.il/Eng/_Articles/Article.asp?CategoryID=39&ArticleID=8360)



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی